

دستفروشی و سدمعبر (آسیبها و راهکارهای قانونی)

رضا عباسپور دیزج

کارشناسی ارشد حقوق عمومی مؤسسه غیردولتی آذربادگان

چکیده

سد معبر، به انحاء تصرف در معابر که موجب ایجاد مانع دائمی یا موقتی برای مردم می‌شود، گفته می‌شود. برآیند بیشتر سخنان فقها و قواعد فقهی در مورد سد معبر، مبین این است که تصرف در معابر تا آنجا جایز است که، موجب مزاحمت و ضرر برای عابران نشود. بالطبع، در صورت مزاحمت برای عابران مسئولیت جبران خسارت با وی خواهد بود. اما گروهی از فقها قیودی مانند اجازه حاکم را نیز اضافه کرده‌اند، البته عده خیلی کمی با جواز هرگونه تصرف در معابر مخالفت کرده‌اند. در قوانین نیز همین مضامین به شکل دیگری آمده است و اشخاص را در صورتی که به شکل‌های مختلف سد معبر، موجب آسیب زدن به مردم شوند، ضامن دانسته است. در فقه سخنی از سد معبر توسط اشخاص حقوقی به میان نیامده است، اما در حقوق موضوعه می‌توان از کلیت قانون مسئولیت مدنی، این را نتیجه گرفت. در صورت خطای ماموران موظف به رفع سد معبر، بهترین نظر این است که باید به میزان دخالت اشخاص و سازمان‌های متبوعه در ایجاد خسارت توجه کرد و هرکدام را به اندازه آن، مسئول دانست.

واژگان کلیدی: سد معبر، ایجاد مانع، دستفروشی، معبر عمومی، انسداد

مقدمه

پدیده دستفروشی، بساط گستری و دوره گردی طی سالهای گذشته در اکثر شهرهای کشور گسترش یافته است با توجه به اینکه دستفروشی در معابر و فضاهای عمومی و پر تردد شهری انجام میشود، مدیریت شهری بر اساس قوانین، موظف به آزادسازی معابر و جلوگیری از مزاحمت برای شهروندان می باشد بنابراین لازم است با شناخت زمینه های ایجاد دستفروشی، بهره گیری از ظرفیت قانون و همکاری بین بخشی سازمانهای متولی بصورت نظام مند، پدیده دستفروشی را ساماندهی کرد.

مسائل مشاغل کاذب بطور عام و دستفروشی به صورت خاص، امری چند بعدی است و حل این معضل به برنامه ریزی های ریشه ای و اساسی نیاز دارد. اگرچه دستفروشان به دلیل عدم پرداخت هزینه های مربوط به عدم اجاره ملک، عوارض و مالیات در اکثر موارد کالای خود را با قیمت پایین تری نسبت به مغازه ها عرضه می کنند و این امر باعث استقبال اقشار متوسط و کم درآمد می شود، اما باید پذیرفت که ایجاد سد معبر و اختلال در رفت و آمد در معابر شهری، عرضه محصولات قاچاق و یا با کیفیت پایین و زمینه های بروز تکدی گری پیامدهای منفی دستفروشی در شهر هاست که با منظره نامناسب سیمای فضاهای شهری تا حد زیادی جوانب مثبت آن را تحت تاثیر قرار می دهد. وضعیت بی ثبات دستفروشان محصول پاره ای مقررات ضد شهری، ابهامات حقوقی، خलाهای قانونی و از همه مهم تر، فقدان نهادهای قدرتمند حامی این قشر است. دست فروشی در فعالیت های بخش غیررسمی هیچ وقت نه تابع قانون مشخص و نه مدونی بوده و غیر از تبصره یک ماده 55 قانون شهرداری ها که صرفا به جلوگیری از سد معابر عمومی و اشغال پیاده روها اشاره می کند، هیچگاه به رسمیت شناخته نشده است.

دستفروش کیست؟

دستفروش یا فروشندهان خیابانی کسانی هستند که کالاها و خود را در فضای عمومی بصورت عمده یا خرده عرضه می کنند. منظور از فضای عمومی، خیابان، پیاده رو و فضاهای واسطه ای است. چه غرفه ای ثابت داشته باشند (مثلا کیوسک یا میز یا حتی سفره ای پلاستیکی یا پارچه ای) چه اینکه جای ثابت و مکانی ثابت برای فروش نداشته باشند باید فروشندهان خیابانی را بعنوان طبقه ای از بازیگران غیر رسمی اقتصادی نگاه کرد

دستفروشان عمدتاً کسانی هستند که سرمایه چندانی برای راه اندازی یک کسب و کار رسمی ندارند و در شرایط رکود اقتصادی، امکان جذب آنها در مشاغل رسمی فراهم نشده است

از آنجاکه دستفروشان طیف متنوعی از فروشندهان و ارائه دهندگان خدمات را شامل می شوند، دلایل متعددی نیز باعث شده که این نوع کسب و کار برای صاحبان آن به یک مزیت تبدیل شود از جمله:

دلایل ماندن دستفروشان در شغل دستفروشی

- نبود فرصتهای شغلی دیگر
- نیاز به سرمایه اندک
- منعطف بودن ساعات کاری
- نیاز معیشتی خود و نیاز خریداران کالاهای ارزان قیمت
- عدم تعهد به پرداخت مالیات و عوارض و غیره

مهمترین مشکلات دستفروشان

- نداشتن امنیت شغلی
- برخوردار نبودن از بیمه تامین اجتماعی
- درگیری با ماموران شهرداری
- سختی شرایط کار بویژه در زمستان و تابستان
- آزار و اذیت از سوی باندهای سودجوی عرضه کننده مکان و کالا برای فروش

دلایل مخالفت مغازه دارها با دستفروشه‌ها:

- سدمعبر
- ارزان فروشی
- از دست دادن مشتری
- زشت شدن محل کسب و کار

آیا دستفروش مجرم است ؟

طبق مفاد ماده ۲ قانون مجازات اسلامی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها تنها عملی را میتوان جرم دانست که قانون آن را جرم اعلام کرده و برای آن مجازات تعیین کند ، با این حساب دستفروشی جرم نیست ، یعنی چنین فعالیتی ماهیتا جرم نیست. چرا که در قانون هیچ اشاره ای به غیر قانونی بودن این عمل نمیکند .

ولی با این حال آنچه دستفروشان انجام میدهند مصداق تخلفاتی است که در قانون برای آن مجازاتهایی تعیین شده است، مثل «عرضه‌ی خارج از شبکه، فرار از پرداخت مالیات، کم فروشی یا گران فروشی، تبلیغات خلاف واقع و» چرا که طبق قانون مدیریت خدمات شهری در معابر، خیابانها و بطور کلی تمامی سطح شهر نباید مشکلی برای رفت و آمدهای مردم بوجود آورند و از طرفی طبق قوانین کشور هیچ فردی نمیتواند بدون داشتن مجوزهای لازم اقدام به فروش اجناسی کند و هر دوی این اتفاقات تخطی از قانون تلقی میشود . پس وقتی مجوزی برای انجام فعالیت اقتصادی داده نشده و فردی خودسرانه در خیابان و یا در مترو و اماکن این چنینی اقدام به فعالیتهای اقتصادی میکند مرتکب تخلف شده و لازم است با او برخورد قانونی صورت پذیرد. بنا به مراتب گرچه دستفروشی به تنهایی جرم نیست ، اما ایجاد مزاحمت در معابر عمومی باعث بوجود آمدن بار ترافیکی و در نهایت شکایت شهروندان شده و وضع نابسامانی را در شهر پدید می آورد که مستلزم برخوردی قانونی است .

همچنین ممکن است به جرم تبدیل شود، مرز میان تخلف و جرم را میتوان اینچنین تعیین کرد که "اگر دستفروشی بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران باشد ، تخلف است " و زمانی که مزاحمتی برای مردم ایجاد کند جرم محقق میشود. به تعبیر دیگر اگر آنها مزاحمت ایجاد کنند، جرم مرتکب شده اند و اگر هم زمان با این کار به نقض حریم خصوصی افراد و یا ایجاد سدمعبر و کم فروشی و ... بپردازند جرم دیگری مرتکب میشوند. اجناسی که دستفروشان به مشتریان خود میفروشند مالیات نداشته و به همین دلیل ، آنها را نسبت به مغازه دارها ارزان تر میفروشند این عمل علاوه بر اینکه قانونی نیست، زیر پا گذاشتن حقوق شهروندان و از جمله همان کسانی است که اجناس را از دستفروشان میخرند علاوه بر آن، بسیاری از آنها فاقد کیفیت مناسب بوده و یا تاریخ مصرف آنها گذشته است که این اعمال خود جرم محسوب میشود.

چگونگی برخورد با دستفروشی :

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی و نه در هیچ یک از قوانین دیگر به امر دستفروشی نپرداخته است و به عبارتی نسبت به آن فعل، جرم انگاری ننموده است لذا بر اساس اصل 36 قانون اساسی و ماده 2 قانون مجازات اسلامی دستفروشی را نمی توان جرم تلقی کرد تصویب قوانین مدیریت شهری که متولی اجرای آن شهرداریها هستند درباره چگونگی برخورد با مجرمان و متخلفان

شهری به شهرداری ها آگاهی لازم را داده و نحوه ی برخورد با آنها را نیز مشخص کرده است. در قوانین موجود برای شهرداریها راههای برخورد با دستفروشی بیان شده است

بند 1 تبصره 2 ماده 55 قانون شهرداریها مصوب 1334، میگوید: طبق این ماده به شهرداری تکلیف شده است که با هرگونه سدمعبری برخورد کند بر این اساس نیازی نیست که حتما سداکننده معبر مجرم باشد. سدمعبر طبق قانون خود تخلف محسوب و شایسته برخورد به شیوه ی جمع موانع سداکننده برای رفع این مشکل است براساس آن شهرداری به عنوان رفع کننده ی سدمعبر معرفی شده است اما اجازه ی برخورد فیزیکی را ندارد با این حال از شهرداری برابر مفاد مقرر بند 1 ذیل تبصره 2 ماده 55 اصلاحی قانون شهرداریها به عنوان مرجع رفع سدمعبر بر رعایت مواظین قانونی مربوطه نامبرده شده است که در این ارتباط ، بر اساس بند 17 و 18 ماده 4 قانون نیروی انتظامی ، شهرداریها در حدود قوانین و مقررات و در صورت ضرورت میتوانند از نیروهای انتظامی کمک بگیرند اما این امر، برای شهرداریها این حق را ایجاد نمیکند که به بهانه ی سدمعبر برخورد نامتعارف و خلاف مواظین قانونی با عاملین داشته و نسبت به ضرب و شتم و توهین به ایشان اقدام نمایند. با این وجود، اگر تخلف و جرم دستفروشی را مصادیقی از مصادیق سدمعبر بدانیم شهرداریها تنها مکلف به جلوگیری از سدمعبر در معابر عمومی هستند و هرگونه اقدام بر خلاف موارد یاد شده در تعارض با الزامات قانونی مربوطه است و مستحق مسئولیت قانونی شهرداری و عوامل آن خواهد بود.

با این توضیح برابر اصل 22 قانون اساسی (حیثیت ، جان، مال ، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعارض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند) و همچنین قوانین حقوقی دستفروشی با فرض مجاز بودن ماموران اجرائیات شهرداری به دستگیری و هدایت دستفروشان به مراجع ذیصلاح طبق اصل 39 ناظر و اصل 32 آن قانون (هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده ، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است) همچنین اصل 40 قانون اساسی (هیچ کس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد). برای مبارزه ای همه جانبه با دستفروشان و سدمعبر کنندگان علاوه بر از بین بردن ریشه های ایجاد آن از طریق ایجاد بستر های لازم جهت اشتغال آنان اقدامات قانونی شهرداریها، نیاز به حمایت دستگاههای قضائی نیز وجود دارد و در کنار همه ی اینها متولیان باید به فرهنگ سازی در کشور نیز بپردازند. در حقیقت شهرداری وقتی موفق به ریشه کن کردن یک تخلف خواهد شد که در همه ی ابعاد برای رفع پدیده دستفروشی تلاش کرده و دستگاههای مختلف بتوانند عملکرد هماهنگی در برخورد با آن داشته باشند.

ساماندهی دستفروشان یک ضرورت است :

دستفروشان نیز از اجزای همین جامعه اند و حفظ حقوقشان همچون سایر اقشار جامعه ، امری ضروری و غیر قابل انکار است. قشری که به علت مشکلات و تنگناهای اقتصادی و نداشتن سرمایه برای شروع کسب و کاری دائمی و اجاره مکانی مناسب و سنگینی مالیات به دستفروشی روی آورده اند. هر چند دستفروشی در کشور جز مشاغل رسمی محسوب نمی شود و هنوز آن را یک معضل اجتماعی می پندارند، اما بسیاری از خانواده ها از همین بساط ساده و کوچک دستفروشی امرار معاش می کنند و نیازهای معیشتی خود را برطرف می نمایند. در گام اول ایجاد شغل های مهارتی و تبیین سیاست هایی در راستای اشتغال جوانان باید مورد توجه قرار گیرد. اما در گام بعدی ، ساماندهی و حمایت از افرادی که تمام تلاش شان را برای معیشت خانواده ی خود انجام می دهند از ضروریات است و باید در راس امور شهرداری ها و نهاد های نظارتی ذی ربط قرار گیرد.

بسترهای قانونی ساماندهی و به رسمیت شناختن دستفروشی :

بند 2 اصل 43 قانون اساسی : (تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه ی کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند)

اصل 28 قانون اساسی: (هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند و دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند)

ماده 16 قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار: شهرداریها موظفند به منظور فراهم آوردن امکان دسترسی تولیدکنندگان کوچک و متوسط ایرانی و فروشندگان کم سرمایه به بازار مصرف برای عرضه کالاهای تولید داخل، شهرداریها موظفند با استفاده از زمینهای متعلق به خود یا وزارت راه و شهرسازی، مکانهای مناسبی را در شهرها آماده بهره برداری نمایند و بر مبنای قیمت تمام شده بصورت روزانه، هفتگی و ماهانه به اشخاص فوق الذکر اجازه دهند

ماده 3 قانون نظام صنفی مصوب شهریور 1392 (هرواحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله ی سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد واحد صنفی است)

ماده 85 قانون نظام صنفی: (اصلاحی 08/04/1390) - برگزاری روز بازارهای جمعی واحدها یا افراد صنفی بر اساس آئین نامه ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیأت عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت خواهد رسید.

قانون اساسی کشور بر لزوم محیا کردن شرایط مناسب برای فعالیت افراد فاقد سرمایه و کسانی که به تولید خرد یا داد و ستد سیار مشغول هستند اشاره دارد در بند 2 اصل 43 و اصل 28 قانون اساسی تصریح میکند که مسئولان باید در فراتر از شرایط و امکانات کاربری همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه ی کسانی که قادر به کارند و وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا همراه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی میشود و نه دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد باشند.

ماده 4 اصل 43 قانون اساسی نیز بر رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری تاکید دارد.

علل عدم استقبال دست فروشی از بازارچه های شهرداری:

به رغم این برنامه ریزی برخی از دستفروشان چندان از این فضای پیشنهادی شهرداری راضی نیستند زیرا نقد مکان به بازارچه های شهرداری را موجب از رونق افتادن کسب و کارشان در محل جدید و از دست دادن مشتری هایی می دانند که طی مدت ها جذب کرده اند رسمیت بخشیدن به دستفروشی زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که دستفروشان هم از رسمیت یافتن سود ببرند یعنی از طریق ساز و کارهای حمایتی به دستفروشان کمک کند تا درآمدشان در همه وقت پایدار بماند و امنیت، دسترسی قانونی به محل های خوب در فضای عمومی، زیرساخت های بهتر در مناطق فروش جمعی و همچنین حمایت موثر در مقابل آزار و اذیت و سو استفاده از قدرت باندهای مافیایی را شامل شود. هزینه اجاره غرفه ها در روز بازارها در توان پرداخت آنها باشد و رسمی شدن تنها به معنی داد و ستد را ثبت کن یا مالیات پرداخت کن نباشد.

برخورد شهرداری با دست فروشی از منظر نظام صنفی چگونه است؟

دستفروشی یک پدیده اجتماعی است که تا زمانی که بررسی علمی در خصوص علل به وجود آمدن آن و شناخت مسائل و مشکلات و ضرورت های وجودی این مشاغل نداشته باشیم هرگونه برخورد با این پدیده پاسخگو نخواهد بود به ویژه اینکه برخی رسانه ها این برخوردها را به صورت گسترده و گاه مغرضانه پوشش می دهند که وجه خوبی هم برای جامعه ندارد

جایگاه صنفی دستفروشی چیست؟ در نظام صنفی ما هر فعالیتی که ارزش افزوده ایجاد کند می تواند در چارچوب نظام صنفی قرار بگیرد به لحاظ قانونی همه می توانند زیر مجموعه نظام صنفی قرار بگیرند و چه خوب چه بد از مزایای آن استفاده کنند ولی در مورد پدیده دستفروشی درخواستی از طرف دستفروشان مبنی بر اینکه می خواهیم شغل را ثبت کنم و مجوز بگیرم نیامده است پس دستفروشی فعلاً از نظر قانونی در چهارچوب نظام صنفی قرار نگرفته است ولی تبعاتش مشخصاً به چهارچوب نظام صنفی برمی گردد البته یک سازمان مردم نهاد برای این موضوع فعالیت های قابل توجهی انجام می دهد کارهای بسیار

جالب و اساسی در این زمینه انجام داده‌اند و از نظر علمی به این نتیجه رسیده‌اند که قاعداً باید کمکشان کنیم و ساماندهی در این زمینه صورت گیرد.

چگونه می‌توان دستفروشان را در قالب یک صنف ساماندهی کرد؟

واقعیت جامعه ما این است که سیاستگذار کلان ما مثل جامعه صنفی از کنار این موضوع رد می‌شوند و واگذارش می‌کنند به شهرداری که بیايد و یک کاری انجام دهد یا نه ولی ما معتقدیم که قاعداً باید یک ساماندهی صورت گیرد اگر وضعیت اقتصادی مناسبی در کشور وجود داشته باشد و ما بتوانیم تولید ارزش کنیم و بیکاری در این حد وجود نداشته باشد این‌ها جذب بازار کار رسمی می‌شوند و خود به خود این پدیده کاهش می‌یابد و این مسئله به این صورت ریشه‌ای حل می‌شود ولی الان که چنین شرایطی وجود ندارد از امکانات جامعه برای ساماندهی این‌ها استفاده شود یعنی فضاهای مناسب در اختیارشان قرار گیرد و در جاهای مشخصی کم کم توسعه‌شان داد تا به تدریج وارد جامعه صنفی شوند و آموزش‌های لازم را ببینند این‌ها در کنار هم قرار گیرند و یک مغازه یا واحد صنفی در اختیارشان قرار گیرد جامعه اقتصادی کشور باید فکری برای این‌ها بکند این‌ها در کشورهای دیگر اتحادیه‌های صنفی دارند و ساماندهی می‌شوند.

چرا ساماندهی نمی‌شوند؟

مشکل این است که نظام آموزشی مان ما را طوری تربیت کرده که به سمت کار انفرادی می‌رویم و کمتر دنبال کار جمعی هستیم اصول و مبانی نظری توسعه کشورها می‌گوید که بچه‌ها باید از دو سالگی آموزش عمومی ببینند که بتوانند در جامعه در کنار افراد دیگر و در تعامل با آنها خلاقیت خود را به ثمر برسانند و تولید ارزش کنند ولی در خانواده ما تا ۷ سالگی فقط به رشد فردی کودکان توجه داریم و آموزش در مدارس ما هم بیشتر آموزش‌های نظری و ذهنیت است. نظام آموزشی ما افراد را به سمت کار گروهی و مشترک سوق نمی‌دهد در این نظام مشارکتی وجود ندارد بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که این‌ها کنار هم جمع شوند و تشکیل یک اتحادیه را بدهند.

چه راهکاری را برای سر و سامان دادن به دست فروشان باید اجرا کرد؟

باید در قالب یک نهاد مدنی (اتحادیه ، انجمن و...) این‌ها ساماندهی شوند تا هم دست سودجوها و واسطه‌های غیر متعارف حذف شود و هم اینکه به صورت یک فرایند توسعه‌ای ، پله به پله و به تدریج بتوانند مشاغل رسمی ایجاد کنند قاعداً این‌ها باید در قالب یک نهاد مدنی ساماندهی شوند ولی هنوز متأسفانه برنامه‌ای برای ساماندهی این‌ها به جز همان NGO وجود ندارد. در خصوص ماده ۳ قانون نظام صنفی هم هنوز اقدام خاصی انجام نشده است و به نظر می‌رسد فعالیت دستفروشان در قالب تشکل‌های مردم نهاد می‌تواند این مطالبه را دنبال کند چندان نکته که باید به آنها توجه کرد :

دست فروشی یک معضل نیست بلکه یک بازار کسب و کار است
شهرداری دستفروشی را یک معضل می‌داند

دستفروشی پله اول است برای جوانی که هیچ سرمایه‌ای ندارد و این یک گشایش است
آیا بیکاری بهتر است یا دست فروشی ؟ در نگاه اقتصادی جدید دستفروشی معضل نیست بلکه یک فرصت است
بهتر نیست به جای جنگ و گریز و قانون شکنی و... از دستفروشان حمایت کنند و به آنها هویت بدهند
مبانی حقوقی پشتیبانی از حقوق دستفروشان در ایران قوانین بسیاری برای حمایت از دست فروشان و کسب و کارشان وجود دارد که مانع آسیب زدن به دست فروشان و تضییع حقوق آنها میشود
این قوانین عبارتند از :

۱. قواعد بین‌المللی الزام آور که شامل ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منشور سازمان ملل است که فروشنده‌های خیابانی را به رسمیت می‌شناسد

متن ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منشور سازمان ملل به شرح ذیل می‌باشد:

دولت‌های طرف این میثاق حق کار را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌نماید معاش خود را تامین کند به رسمیت می‌شناسد و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت

۲- اقداماتی که دولت‌های طرف این میثاق به منظور تامین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط و مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تامین توسعه مداوم اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برای افراد حفظ نماید

اصل ۳ و ۴۳ و ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی کشور ه آزادی شغل رفع تبعیضات و ایجاد امکانات عادلانه که به نوعی انتخاب محل فعالیت را مطرح می‌کند

۴- قانون نظام صنفی که وجود واحدهای صنفی سیار را به رسمیت می‌شناسد

ماده ۲ قانون نظام صنفی : هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید ، تبدیل ، خرید ، فروش ، توزیع و خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسب دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا و محصول یا خدمات خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد فرد صنفی شناخته میشود

۴. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

۵. دستور العمل اجرائی قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

۶. تفسیر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی از تبصره ۱ بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداریها

۷. قوانین مدنی

۸. آئین نامه مالی شهرداری که بر استفاده عموم از اموال شهرداری تاکید دارد

۹. قوانین مجازات اسلامی ماده ۵۰۶

این‌ها قوانینی است که به عمد یا غیر عمد همه به فراموشی سپرده شده‌اند. اما قانون برخورد با سد معبر به عنوان تنها قانون و مانع حقوقی است که در دستور کار شهرداری برای مقابله فعالیت دستفروشان قرار گرفته است.

شهرداری طبق قوانین بالادستی و طبق قانون مجازات اسلامی باید در صورت برخورد با دستفروشان خسارت وارد به آنها را جبران کند و از سوی دیگر قوانین کلی برای مدیریت موضوع دستفروشی ضعف دارند دستفروشی یک پدیده متکثر است که نباید آن را در جامعه به یک شکل دید و برای پرداخت به آن یک قانون کلی و عام وضع کرد دستفروشان از نظر سن جنسیت توان جسمی اجناسی که عرضه می‌کنند امکانات مالی و بسیاری از جنبه‌های دیگر موضوعی چند وجهی است که نیاز است برای مدیریت آن قوانین به صورت محلی برجسته شود برای مدیریت آن نیز نیاز به هر دو سوی ماجرا یعنی هم شهرداری و هم دستفروشان است قانون خوب و ضروری است اما قانون عام نمی‌تواند اولویت‌های ما را پوشش دهد باید بفهمیم منطق دستفروشی چیست و چرا این کار را می‌کند و چه مسائلی دارد قانونگذاری در این خصوص باید در سطوح خرد و محلی و با توجه به موارد جزئی‌تر که برگرفته از مطالعات میدانی مستمر در خصوص این پدیده باشد صورت گیرد باید قبول کنیم که دستفروشان حاصل کم کاری جامعه هستند و باید کمکشان کرد دستفروشی در هر شکلش یکی از عناصر قطعی جامعه است که هم واقع در طول تاریخ جوامع بوده و نهادمند است از منظر اقتصادی همه دوره‌های رکود و رونق در جامعه را طی میکنند در شرایط رونق اقتصادی دستفروشان جذب مراکز اقتصادی کوچک و بزرگ می‌شوند و دستفروشی بسیار کاهش می‌یابد ولی از بین نمی‌رود در شرایط رکود تعداد زیادی از بنگاه‌های اقتصادی ورشکسته می‌شوند و عده زیادی از کارکنان را اخراج می‌کنند و بیکاری آشکار و پنهان ایجاد می‌شود در واقع بیکاری را پشت یک فرصت شغلی پنهان می‌کنند برای مثال در بسیاری از ادارات

۱۰ نفر کار یک نفر را انجام می‌دهند وجود بیکاری پنهان در مشاغل رسمی و بخش دولتی بهره‌وری را کاهش می‌دهد وقتی بیکاری پنهان به حد اشباع رسید بهره‌وری سایر نیروها هدر می‌رود.

نکته قابل تأمل:

بخش بزرگی از بار اقتصادی بردوش آسیب پذیرترین گروههای جامعه بوده است.

سخن آخر

صرف نظر از منشا و دلایل شکل‌گیری دستفروشی پدیده دستفروشی در بسیاری از کشورها گرچه امری پذیرفته شده تلقی می‌شود و در جهت پاسخگویی به نیازهای بخش مهمی از جامعه و جذب توریسم نیز استفاده می‌شود اما در کشور ما پدیده دستفروشی را یک معضل اجتماعی می‌دانند که نباید ساماندهی کرد و ساماندهی به آن رسمیت می‌بخشد این رویکرد معتقد است که باید با دست فروشان به صورت موردی و فردی برخورد شود این در حالی است که در صورت نبود ساماندهی در زیرساخت‌های لازم برای ایجاد اشتغال در جامعه مسائل و مشکلات و آسیب‌های این پدیده چه برای خود دستفروشان و چه برای سایر شهروندان افزایش خواهد یافت زیرا به هر حال این‌ها برای تامین امنیت شغلی و اجتماعی‌شان و برای حفاظت خود از دست ماموران نظارت شهرداری نیازمند ساماندهی هستند

امروزه میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان و از جمله کشورمان به دلایل گوناگون با دستفروشی در حال امرار معاش و گذران زندگی اقتصادی هستند و به همین خاطر توجه به این امر به عنوان نه یک معضل یا مسئله اجتماعی که به عنوان فرصتی برای ایجاد اشتغال و توانمندسازی افراد بسیار مهم است بیشتر این افراد در وضعیت بد اقتصادی قرار دارند بسیاری از آنها زنان سرپرست خانواری هستند که به سختی زندگی خود را اداره می‌کنند و با عرضه محصولات خود می‌توانند حیات دوباره‌ای پیدا کنند دست فروشی و عرضه محصولات خانگی یا تولیدی‌های کوچک یا نوپا در اقتصادهای موفق رواج دارد دستفروشی در محل‌های تعیین شده و تحت نظارت شهرداری ه تنها شغل کاذبی تلقی نمی‌شود بلکه برخی از کارآفرینان بزرگ بین‌المللی کار خود را از فروش محصولاتشان در همین بازارهای موقت شروع کرده‌اند در واقع دست فروشی هدف نیست بلکه می‌تواند گام اول برای تولد و رشد کسب و کارهای بزرگ باشد.

پیشنهادهای

- 1- وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی باید دست کم تا زمان احیای کامل رشد اقتصادی کشور زمینه لازم برای توسعه دستفروشی رسمی را فراهم کند
- 2- شهرداری‌های تمامی شهرها باید دستفروشی یا همان خرده فروشی سیار را به شرط عدم ایجاد آلودگی صوتی در همه مکان‌ها جز مکان‌هایی که خود شهرداری ها با نصب تابلوی مشخص اعلام میکنند به رسمیت بشناسند
- 3- شهرداریها توجه ویژه ای به توسعه مکان های ویژه برای خرده فروشان سیار فروشنده محصولات مختلف به خرج داده و زمینه را برای آسان سازی حضور خرده فروشان سیار در این مکان ها فراهم کنند

منابع

- امامی، سید حسن (1395). حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی
- رزمی، محسن (1385). بررسی فقهی سد معبر، مجله فقه و تاریخ تمدن دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره 10

کاتوزیان، ناصر (1387). حقوق مدنی؛ ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

منصور، جهانگیر (1384). مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، تهران، انتشارات دیدار

نظری توکلی، سعید (1387). حقوق گذرگاه‌ها و سد معبر در فقه اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی

نظری توکلی، سعید (1388). مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از استفاده از گذرگاه‌های عمومی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 39، شماره 4